



بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوشامد عرض میکنم به شما مهمانان عزیز، از کشورهای مختلف، و همچنین به اساتید عزیز و محترم دانشگاه‌های خودمان.

تقریباً از يك سال و نیم پیش تا امروز دیدارها و اجلاسها و نشستهای متعددی درباره‌ی بیداری اسلامی در تهران تشکیل شده، لیکن به نظرم میرسد که اجلاس و نشست اساتید از يك اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ایجاد يك فکر، يك گفتمان، يك جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آنها هستند که میتوانند فکر ملت‌ها را به يك سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواستہ میتوانند به سمتی ببرند که مایه‌ی بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود. این دومی متأسفانه در طول هفتاد هشتاد سال اخیر در برخی از کشورها، از جمله در کشور خود ما اتفاق افتاد.

روایتی است از رسول مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله، که میفرماید: «لا تصلح عوام هذه الأمة الا بخواصها قيل يا رسول الله و من خواصها قال العلماء»؛ اول علما را ذکر کرد، بعد چند دسته‌ی دیگر را. بنابراین اساتید دانشگاه، فرزندان و نخبگان علمی در هر کشوری میتوانند سر رشته‌دار حرکت مردم شوند؛ البته به شرط اخلاص، به شرط شجاعت، به شرط نترسیدن از دشمنان. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر تنبلی آمد، کار خراب خواهد شد. اگر ترس نبود، شجاعت بود، اگر طمع نبود، اگر غفلت نبود، هوشیاری و بیداری بود، آن وقت کار درست خواهد شد.

اوائل انقلاب، سی و یکی دو سال قبل از این، در يك قضیه‌ی بسیار مهمی، من و دو نفر دیگر که آن روز عضو شورای انقلاب بودیم، از تهران رفتیم قم خدمت امام - امام آن وقت هنوز در قم بودند، تهران نیامده بودند - تا نظر ایشان را نسبت به آن قضیه و اقدام مهم بپرسیم. وقتی قضیه را برای ایشان شرح دادیم، امام رو کردند به ما، گفتند از آمریکا می‌ت رسید؟ گفتیم نه. گفتند پس بروید اقدام کنید. ما هم آمدیم اقدام کردیم و موفق شدیم. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر گرایشهای انحرافی پا در میان گذاشت، کارها مشکل خواهد شد.

امروز دنیا با يك حادثه‌ی عظیم مواجه است؛ این حادثه‌ی عظیم عبارت است از بیداری اسلامی؛ این يك حقیقت است. ملت‌های مسلمان و امت اسلامی بتدریج بیدار شده‌اند. امروز دیگر تسلط بر ملت‌های مسلمان، به آسانی بعد از جنگ اول جهانی و در دورانهای طولانی قرن نوزدهم و بیستم میلادی نیست. امروز اگر مستکبرین عالم بخواهند بر ملت‌های مسلمان مسلط شوند، کار دشواری دارند. بیداری وارد امت اسلامی شده و رسوخ و نفوذ کرده است. در بعضی از کشورها هم این بیداری به انقلاب تبدیل شد و رژیم‌های فاسد و وابسته را تغییر داد. لیکن این، بخشی از بیداری اسلامی است؛ همه‌ی بیداری اسلامی نیست. بیداری اسلامی گسترده است، عمیق است.

البته دشمنان از کلمه‌ی «بیداری اسلامی» می‌ترسند؛ سعی میکنند عنوان «بیداری اسلامی» برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قواره‌ی واقعی خود بروز و ظهور پیدا میکند، تن اینها می‌لرزد. اینها از اسلام برده‌ی دلار نمی‌ترسند؛ از اسلام غرق در فساد و اشرافیگری نمی‌ترسند؛ از اسم اسلامی که امتداد و انتهائی در عمل و در توده‌ی مردم نداشته باشد، نمی‌ترسند؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده‌ی مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعد الهی که فرمود: «و لينصرن الله من ينصره»، (1) می‌ترسند. وقتی اسم این اسلام می‌آید، نشانی از این اسلام پیدا میشود، مستکبرین عالم به خودشان می‌لرزند - «كأثم حمر مستنفرة. فرّت من قسورة» (2) - لذا نمی‌خواهند عنوان بیداری اسلامی باشد. ولی ما معتقدیم نخیر، این يك بیداری اسلامی است، بیداری حقیقی است، و رسوخ پیدا کرده است، امتداد پیدا کرده است، به این آسانی‌ها هم دشمنان نمیتوانند آن را از راه خودش منحرف کنند.



البته باید آسیب‌شناسی کرد؛ این آن نکته‌ی اولی است که می‌خواهم به شما عرض کنم. این حرکت‌های دنیای اسلام را، این انقلاب‌هایی که در مصر و تونس و لیبی و امثال اینها اتفاق افتاده است و به پیروزی رسیده است، آسیب‌شناسی کنید؛ خطراتش چیست؟ مشکلاتش کجاست؟ چرا می‌گوئیم آنچه که اتفاق افتاده است، قطعاً اسلامی است؟ شعارهای مردم را نگاه کنید؛ در طول این مدت، نقش معتقدان به اسلام را در اسقاط رژیم‌های فاسد ببینید. اگر معتقدین به اسلام و جمعیت‌های عظیمی که در بین مردم جایگاه دارند و از بن دندان معتقد به اسلامند، نبودند، این اجتماعات عظیم در مصر و تونس تشکیل نمی‌شد. فشاری که حرکت مردم و حضور توده‌ی مردم آورد، بناهای پوسیده‌ی امثال حسنی مبارک و بن‌علی را ساقط کرد. مردم مسلمان بودند با شعار اسلامی. نقش اسلام‌گراها در اسقاط این نظام‌ها خودش اقوی شاهد است برای اینکه این حرکت، حرکت اسلامی است. بعد هم در هرجا نوبت رأی دادن فرا رسید، مردم رفتند سراغ اسلام‌گراها؛ آنها را تقویت کردند، آنها را ترجیح دادند. و من به شما عرض بکنم؛ امروز تقریباً در سرتاسر دنیای اسلام - ممکن است معدودی استثناء داشته باشد - اگر يك انتخابات خوب آزادی برگزار شود و رهبران مسلمان و سیاسیون مسلمان وسط میدان باشند، مردم به آنها رأی خواهند داد. همه جا همین جور است. بنابراین بلاشك حرکت، حرکت اسلامی است.

خب، گفتیم آسیب‌شناسی کنید. در کنار آسیب‌شناسی‌ها، تبیین هدف‌هاست. اگر هدف‌ها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می‌آید، آشفتگی به وجود می‌آید. باید هدف‌ها تبیین شود. یکی از مهمترین هدف‌های این بیداری، رهائی از شرّ سلطه‌ی استکبار جهانی است؛ این را باید صریح گفت. اینکه ما خیال کنیم استکبار جهانی به سردمداری آمریکا، در مقابل حرکت‌های اسلامی ممکن است کنار بیاید، این خطاست. اگر اسلام باشد، اسلامیت باشد، اسلامی‌ها باشند، آمریکا با همه‌ی وجود تلاش میکند آنها را از بین ببرد؛ البته ظاهراً بخواهد زد. حرکت‌های اسلامی چاره‌ای ندارند، باید حد فاصل خودشان را مشخص کنند. نمی‌گویم بروند به جنگ آمریکا، می‌گویم بدانند موضع آمریکا و استکبار غربی در مقابل آنها چیست؛ این را درست تشخیص دهند. اگر این تشخیص را ندهند، قطعاً فریب خواهند خورد و سرشان کلاه خواهد رفت.

امروز استکبار جهانی با ابزار پول و سلاح و علم دارد بر دنیا فرمانروائی میکند؛ اما در خلأ فکر قرار دارد، در خلأ اندیشه‌ی راهنما قرار داد. امروز استکبار جهانی این مشکل بزرگ را دارد؛ فکری ندارد که به بشریت ارائه دهد؛ هیچ ایده‌ای ندارد برای ارائه کردن و راه نشان دادن به توده‌های مردم، به خواص مردم، به روشنفکران. اما شما دارید؛ شما اسلام را دارید. وقتی فکر داریم، وقتی نقشه‌ی راه داریم، میتوانیم هدف‌ها را ترسیم کنیم، میتوانیم بایستیم؛ در این صورت سلاح آنها و علم آنها و پول آنها، آن تأثیری را که در گذشته داشت، نخواهد داشت؛ البته نه اینکه بی‌تأثیر است. ما باید در مقابل آنها هم فکر کنیم - که حالا اگر وقت باشد، خواهم گفت - لیکن در درجه‌ی اول این است که ما فکر و نقشه‌ی راه و ایدئولوژی داشته باشیم؛ بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم.

هدف‌ها باید ترسیم شود. یکی از هدف‌های مهمی که در این انقلاب‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند وانمود کنند که شریعت اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن و اینها سازگار نیست. این، حرف دشمن است؛ نخیر، کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیه‌ی تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند این حرف دشمن را به نحوی تبیین و اثبات کنند. اینها مسلمانند، اما در خدمت آنهایند. ما در اطراف خودمان، در برخی از این کشورهای اسلامی، از این قبیل داریم؛ اسمشان مسلمان است، اما يك ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نو از معارف اسلامی، انسان در آنها مشاهده نمی‌کند. اسلام مال همیشه‌ی دنیاست، اسلام مال همه‌ی قرن‌هاست، اسلام مال همه‌ی دوران‌های پیشرفت بشری است؛ جوابگوست. آن فکری که بتواند پاسخگوئی اسلام را به این نیازها بفهمد، باید آن را پیدا کرد. بعضی‌ها این فکر را ندارند؛ فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند، اسم خودشان را هم مسلمان بگذارند. در نهایت هم يك وقت‌هایی انسان می‌بیند که در يك مواردی سرشان با سر مزدوران دشمن در يك آخور است! شریعت اسلامی را و فکر اسلامی را محور فعالیت خودمان قرار بدهیم؛ این هم یکی از هدف‌هاست.



یکی دیگر از هدفها، نظام سازی است. اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام سازی نشود، آنها را خطر تهدید میکند. در همین کشورهای شمال آفریقا ما یک تجربه ای داریم مربوط به شصت هفتاد سال پیش؛ اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار - در جاهای دیگر هم همین طور - اما نتوانستند نظام سازی کنند؛ نظام سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلابها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلابها سر کار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند؛ خودشان هم خراب شدند. هم در تونس این اتفاق افتاد، هم در مصر این اتفاق افتاد، هم در سودان آن روز این اتفاق افتاد. حدوداً در سالهای 1343 یا 1344 یا 1345، من و چند نفر از دوستان در مشهد رادیوی صوت العرب را گرفته بودیم و گوش میکردیم - که صوت العرب مصر از قاهره پخش میشد - آنجا سخنرانی جمال عبدالناصر و معمر قذافی و جعفر ژمیری را که هر سه در یک جا جمع شده بودند، با هم پخش میکرد. ما در مشهد زیر فشار استبداد و دیکتاتوری له میشدیم، اما از این حرفهای تند و آتشین به هیجان می آمدیم و لذت میبردیم. خب، عبدالناصر که از دنیا رفت، دیدید جانشینهایش چه کردند؛ قذافی هم دیدید چه جوری شد؛ ژمیری هم که وضعش معلوم بود چه جوری شد. خود آن انقلابها هم عوض شدند؛ هم فکر نداشتند، هم نتوانستند نظام سازی کنند. باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام سازی شود؛ باید یک قاعده ای مستحکمی به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است.

یکی دیگر از مسائل مهم، حفظ پشتیبانی های مردمی است؛ نباید از مردم منقطع شوند. مردم توقعاتی دارند، نیازهایی دارند. قدرت حقیقی هم در اختیار مردم است. آنجائی که مردم اجتماع میکنند، آنجائی که مردم همدل میشوند، آنجائی که یک مردم همدل و همجهتی پشت سر مسئولان و رهبران کشور می ایستند، آنجا جایی است که آمریکا و بزرگتر از آمریکا هم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. مردم را باید حفظ کرد، باید نگه داشت؛ و این از عهده ی شماها برمی آید؛ از عهده ی روشنفکران، نویسندگان، شاعران، علمای دین. از همه مؤثرتر، علمای دین هستند که وظیفه ی سنگینی بر عهده دارند؛ برای مردم تبیین کنند، روشن کنند که چه میخواهند، تبیین کنند که در کجای این راه قرار دارند، تبیین کنند که موانع چیست، دشمن کیست؛ مردم را آگاه و با بصیرت نگه دارند، آن وقت هیچ صدمه ای نمیتواند وارد شود.

یک مسئله ی دیگر، تربیت علمی جوانهاست. باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه». (3) باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه ی قوی هستند، دست شما را میپچانند. جوانها را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیفهای آخر آخر علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ نگاهی به طرف ما جلب نمیشد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی میکنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه ی شانزدهم دنیا است. این مال چند ماه قبل از این است. خود آن مراکزی که این بیان را کردند، پیش بینی کردند و گفتند تا چند سال دیگر - معین کردند تا چه سالی؛ مثلاً تا ده سال، دوازده سال دیگر - ایران به رتبه ی تک رقیمی خواهد رسید؛ آنها گفتند چهارم در دنیا. این به این خاطر است که شتاب علمی در ایران، شتاب زیادی است. البته ما از دنیا هنوز خیلی عقبیم. شتاب ما چندین برابر متوسط شتاب دنیا است، اما باز عقبیم. اگر با این شتاب پیش برویم، به جلو خواهیم رسید. این حرکت در دنیای اسلام باید ادامه پیدا کند. کشورهای اسلامی دارای استعدادند. جوانهای خوبی داریم، جوانهای خوبی دارید؛ استعدادهای خوبی هستند. یک روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمانها بوده؛ چرا امروز اینجور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا سی سال دیگر دنیای اسلام بشود مرجع علمی دنیا، که همه برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟ این آینده ی ممکن است؛ همت کنیم، تلاش کنیم. اینها همه اش به برکت اسلام و به برکت انقلاب پیش می آید. نظام دینی



اثبات کرد که میتواند سرعت و شتاب بیشتری داشته باشد. يك مسئله‌ی اساسی دیگر - که نزدیک ظهر است، وقت نماز است و باید برویم - مسئله‌ی وحدت است. امروز به شما عرض کنم: برادران! خواهران! ابزاری که در دست دشمنان ما میتواند فعال شود و از آن حداکثر استفاده را دارند میکنند، اختلافات است؛ اختلاف شیعه و سنی، اختلاف قومیتها، اختلاف ملیتها، تفاخرهای غلط. مسئله‌ی شیعه و سنی را دارند بزرگ میکنند، سعیشان این است اختلاف ایجاد کنند. می‌بینید در کشورهای اسلامی، در همین کشورهای انقلاب کرده، اختلاف ایجاد میکنند؛ در نقاط دیگر دنیای اسلام اختلاف ایجاد میکنند؛ همه باید بیدار باشند، همه باید هشیار باشند. غرب و آمریکا دشمن دنیای اسلام است؛ با این چشم باید به حرکات آنها نگاه کرد. تحریک میکنند، سازمانهای جاسوسی‌شان مشغول فعالیتند؛ هرجا دستشان برسد، تخریب میکنند. در قضیه‌ی فلسطین تا آنجائی که توانستند، کارشکنی کردند؛ البته شکست خوردند. ما داریم پیش میرسیم، دنیای اسلام دارد پیش میرود.

این مسئله‌ی اخیر فلسطین، خیلی مسئله‌ی مهمی است. بین غزه و بین دولت صهیونیست که مدعی است قوی‌ترین ارتش را در منطقه دارد، هشت روز جنگ اتفاق می‌افتد؛ آنگاه وقتی میخواهند آتش‌بس ایجاد کنند، آن طرفی که برای آتش‌بس شرط میگذارد، فلسطینی‌ها! این باورکردنی است؟ ده سال پیش اگر به شما این حرف را میزدند، چه کسی باور میکرد که یک روزی بین فلسطینی‌ها - نه همه‌ی فلسطینی‌ها؛ یک گوشه‌ای از فلسطینی‌ها، غزه - و بین رژیم صهیونیستی جنگی اتفاق بیفتد، برای آتش‌بس آن جنگ، فلسطینی‌ها شرط بگذارند؟ آفرین بر فلسطینی‌ها! آفرین! آفرین بر حماس و جهاد و گردانهای مبارزی که در فلسطین، در غزه جنگیدند و شجاعت نشان دادند! شجاعت این است. من به سهم خودم از همه‌ی مبارزین فلسطین تشکر میکنم؛ به خاطر فداکاری‌ای که کردند، به خاطر تلاشی که کردند، به خاطر صبری که کردند، و دیدند که «ان مع العسر یسر». (4) اگر چنانچه ما صبر کردیم، این صبر موجب میشود که خدای متعال فرج را برساند. صبر کردند، ایستادگی کردند، خدای متعال فرج را رساند؛ این درس است؛ برای خود آنها هم درس است، برای دیگران هم درس است. این وحدت بین مسلمانها را دست کم نگیرید؛ مسئله‌ی مهمی است.

این نکته‌ای که برادر بحرینی ما اینجا گفتند - سکوت دنیای اسلام نسبت به بحرین - راست است. آنچه که موجب میشود بعضی‌ها در این زمینه سکوت کنند، متأسفانه همین مسائل مذهبی است. یعنی ملتی اگر بر علیه یک حکومت فاسدی قیام کرد، باید از آن ملت دفاع کرد؛ مگر اینکه آن ملت شیعه باشد - مثل بحرین - آن وقت نباید دفاع کرد! این منطق در بعضی وجود دارد. اینها را باید کنار گذاشت.

دشمن را باید شناخت، ابزارهای دشمن را باید شناخت، حیل‌های دشمن را باید شناخت؛ از کجا وارد میشود؟ ما با این نگاه در قضیه‌ی سوریه موضعگیری کردیم. ما با آمدن خون از بینی یک انسان مسلمان هم موافق نیستیم و دردمان می‌آید. ما می‌گوئیم آن کسانی که سوریه را به جنگ داخلی دارند میکشاند، مقصرند. آن کسانی که سوریه را دارند به سمت تخریب و برادرکشی میکشاند و کشانده‌اند، مقصرند. همه‌ی خواسته‌های ملتها باید از طرق متعارف، معمولی و بدون خشونت‌های اینجوری حل شود.

امیدواریم خدای متعال همه‌ی ما را هدایت کند. امیدواریم خداوند متعال به حرکات شماها برکت دهد. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال این بیداری‌های باعظمت دنیای اسلام را به آینده‌ی روشن و منور و پر برکتی برای امت اسلامی برساند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) حج: 40

(2) مدثر: 50 و 51

(3) شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج 20، ص 319

(4) شرح: 6



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir
